

مقایسه مهارت های حرفه ای استادان رشته های علوم انسانی و علوم پایه دانشگاه های آزاد اسلامی استان مازندران

محمد حاجی زاد^{۱*}، محمد صالحی^۲

(۱) استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نکا، نکا، ایران

(۲) دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران

* نویسنده مسئول: hajizad@iauneka.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله ۹۰/۱/۲۸ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۰/۲/۷ تاریخ پذیرش مقاله ۹۰/۶/۱۵

چکیده

هدف این پژوهش بررسی و مقایسه مهارت های حرفه ای استادان رشته های علوم انسانی و علوم پایه دانشگاه های آزاد اسلامی استان مازندران بود. روش انجام پژوهش زمینه یابی بود و جامعه آماری کلیه استادان شاغل به تدریس در رشته های علوم انسانی و علوم پایه در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ به تعداد ۱۵۳۰ نفر و دانشجویان نیز ۵۳۰۰۰ نفر بوده که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان ۱۰۰ نفر از هر دو گروه به عنوان نمونه با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در این تحقیق از ابزار پرسشنامه محقق ساخته (خود سنجی استادان) و نظر دانشجویان (حاوی ۲۵ سؤال با مقیاس لیکرت) استفاده شده است. برای روایی از نظر متخصصان علوم تربیتی و برای پایایی از آزمون ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ۰/۷۸ به دست آمد. داده ها در سطح آمار استنباطی (با استفاده از آزمون t) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ نتایج کلی تحقیق بیانگر این است که میزان آگاهی استادان از مهارت های حرفه ای در رشته های علوم انسانی و علوم پایه در آزمون خود سنجی یکسان است، اما با توجه به سطح معنی داری از نظر دانشجویان ($sig > 0.05$) نتیجه گرفته می شود که میزان آگاهی استادان از مهارت های حرفه ای در دروس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است. کلید واژه گان: مهارت های حرفه ای استادان، علوم انسانی، علوم پایه، دانشگاه آزاد اسلامی.

مقدمه

تنوع و عمق توقعات و انتظارات مرتبط با نظام آموزش عالی آن چنان است که نظام مذکور، با شرایط، امکانات، روش ها و نیروی انسانی فعلی به هیچ وجه نمی-تواند از عهده رسالت خود برآید. نظام آموزش عالی باید متحول شود و تغییراتی بنیادین و اساسی در آن به وجود آید (پرداختچی، ۱۳۷۴، ص ۱۹). به اعتقاد و باور بسیاری از متخصصان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت، یادگیری مهارت های حرفه ای از جایگاه ویژه ای برخوردار است، تا آنجایی که مدرسی که به اندازه کافی مهارت های تدریس را تجربه نکرده باشد مدرس بدون صلاحیت خوانده می شود (رؤوف، ۱۳۸۰، ص ۲۲). از نظر رؤوف، مهارت های حرفه ای معلم، لازم ترین و ضروری ترین نیاز اوست. هر نوع بی توجهی در به دست آوردن این

نظام آموزش عالی در هر کشور مسئولیت خطیری در امر شکوفایی استعدادها و توانایی های نسل کنونی و آتی آن کشور دارد به همین منظور آموزش عالی باید پرورش دهنده ی انسانهای نوین، انسان هایی تغییرپذیر، واقع گرا و دارای مهارت و برنامه ریزی باشد. از آنجا که کسب مهارت در افراد از طرق مختلف (نظیر آموزش های مستقیم، حضوری و مشاهده و...) صورت می گیرد و یکی از مهمترین روش های ایجاد مهارت، آموزش های عینی و استفاده از الگوهای مشاهده ای است، افزایش مهارت های حرفه ای استادان به عنوان یکی از مؤلفه های تأثیرگذار در نظام آموزش و پرورش محسوب می گردد (معمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۶). در دنیای امروز، حجم،

مهارت ها، عدم موجودیت شغلی و حرفه ای او را به اثبات می رساند و خط بطلان روی مهارت او می کشد (رؤوف، ۱۳۸۰، ص ۴۲). از آنجا که مدرس به عنوان عنصر بی بدیل در نظام های آموزش و پرورش با داشتن مهارت های حرفه ای بازیگر اصلی جهت تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت محسوب می شود و برای انجام درست وظایف خود نیازمند داشتن نگرش، دانش و مهارت در عملیاتی کردن وظایف شغلی از جمله روش های تدریس، طراحی آموزشی، استفاده از تکنولوژی آموزشی و شیوه های ارزشیابی است در این تحقیق آن را مهارت های حرفه ای می نامیم (معتمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۰). نتایج تحقیق دانش پژوه (۱۳۸۲) نشان داد که مهارت عمومی استادان دوره ابتدایی از دید استادان (خودسنجی) و مشاهده گران از حداقل ملاک تعیین شده (۶۰ درصد مهارت های عمومی) بالاتر است. تحقیق ادیب نیا (۱۳۸۳) نیز نشان داد که استادان بر اجرای روش های تدریس فعال تسلط ندارند و نمی توانند در کلاس به واسطه تعامل و ارتباط عاطفی اجرای روش تدریس فعالی داشته باشند چون آگاهی آنها در زمینه شیوه های جدید آموزش کم می باشد. نتایج تحقیقات تاجیک (۱۳۸۳) و آبیاری (۱۳۸۴) بیانگر این است که بیشتر استادان از اصول یادگیری و طراحی آموزشی اطلاع کافی ندارند. کریمی (۱۳۸۴) با توجه به یافته های مطالعه بین المللی پیشرفت سواد خواندن پرلز دریافت که استادان از مهارت های حرفه ای لازم برخوردار نیستند و در این زمینه کاستی ها و نارسایی های جدی وجود دارد که در ناکارآمدی آنها و عملکرد تحصیلی دانش آموزان نقش تعیین کننده ای ایفا می کند. نتایج پژوهشی دایی زاده (۱۳۸۵) بیانگر این است که میزان شناخت معلمان دوره متوسطه از مبانی برنامه ریزی درسی و اصول یادگیری در حد پایین تر از متوسط بود. همچنین نتایج تحقیق مرزوقی (۱۳۸۵) نیز حاکی از عدم آشنایی استادان با به کارگیری نرم افزارهای مبتنی بر فناوری اطلاعات است. نتایج تحقیق حاجی زاد (۱۳۹۰) نشان داده که معلمان از مهارت های حرفه ای لازم

برخوردار نیستند و عمده ترین یافته های پژوهشی این است که میزان آگاهی استادان از مهارت های حرفه ای در دروس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است. نتایج تحقیقات مارکز (۲۰۰۶) پیرامون بررسی عوامل مؤثر بر ویژگیهای استادان مطلوب صورت گرفته، با استفاده از روش تحلیل مسیر مشخص شده است که عوامل آموزشی و سواد اطلاعاتی استادان یکی از مهمترین عوامل مؤثری است که بر ویژگیهای حرفه ای استادان تأثیر دارد. کاردینالز (۲۰۰۷)، و ریچاردسون (۲۰۰۸) که با استفاده از روش آماری تحلیل عاملی و تحلیل عامل اکتشافی انجام شده است نیز بیانگر آن است که ویژگیهای آموزشی و مهارتی استادان پایین می باشد و از دیدگاه دانشجویان یک استاد باید از مهارت های آموزشی حرفه ای به ویژه استفاده از تکنولوژی آموزشی و وسایل کمک آموزشی و اهداف آموزشی و کاربرد درست ارزیابی آگاهی داشته باشد. یافته های پژوهشی ساکا (۲۰۰۹) با عنوان دیدگاه دانشجویان طرح معلمی در مورد تأثیر تمرین مدرسه ای بر توسعه مهارت های حرفه ای نتایج نشان داده است که برای توسعه مهارت های حرفه ای آگاهی از روش های تدریس در یک مدل آموزشی طراحی شده بسیار مهم و ضروری است و دانشجویان طرح معلمی باید بتوانند از ابزار و وسایل آموزشی و کمک آموزشی استفاده کنند و همچنین یافته ها، آموزشهای قبل از خدمت و ضمن خدمت را در توسعه مهارت های حرفه ای معلمان بسیار مؤثر نشان داده است. لذا با توجه به مطالبی که بیان شد، مسأله اصلی این پژوهش بررسی و مقایسه مهارت های حرفه ای استادان رشته های علوم انسانی و علوم پایه دانشگاه های آزاد اسلامی استان مازندران می باشد که به منظور رسیدن به چنین هدفی سؤال های زیر مدنظر قرار گرفته است:

۱. آیا میزان آگاهی استادان رشته های علوم انسانی و علوم پایه از مهارت های حرفه ای متفاوت است؟
۲. آیا میزان آگاهی استادان در اجرای روش های تدریس رشته های علوم انسانی و علوم پایه متفاوت است؟

پژوهش از روش کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته ارزشیابی مهارت های حرفه ای استادان با استفاده از روش های (خودسنجی و نظر دانشجویان) مهارت های حرفه‌ای استادان مورد ارزیابی قرار گرفته است. برای روایی ابزار تحقیق از نظرات متخصصان علوم تربیتی و برای پایایی از آزمون ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است، که ۰/۷۸ به دست آمده و برای توصیف و تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از دو شیوه آماری توصیفی (جدول، فراوانی، درصد، نمودار) و در بخش آمار استنباطی از (آزمون t مستقل) برای سؤال های ۱ تا ۵ جهت بررسی تفاوت داده ها و مقایسه میانگین بین دو گروه انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول: آیا میزان آگاهی استادان از مهارت های حرفه ای در رشته های علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است؟

۳. آیا میزان آگاهی استادان در استفاده از تکنولوژی آموزشی در رشته های علوم انسانی و علوم پایه متفاوت است؟

۴. آیا میزان آگاهی استادان در اجرای طراحی آموزشی در رشته های علوم انسانی و علوم پایه متفاوت است؟

۵. آیا میزان آگاهی استادان در اجرای ارزشیابی در رشته های علوم انسانی و علوم پایه متفاوت است؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی، و روش آن زمینه یابی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه استادان شاغل به تدریس در رشته های علوم انسانی و علوم پایه در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ به تعداد ۱۵۳۰ نفر و دانشجویان نیز ۵۳۰۰۰ نفر بوده که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعداد ۱۰۰ نفر از هر دو گروه به عنوان نمونه و با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در این

جدول ۱. مقایسه میانگین مهارت های حرفه ای استادان

گروه	نوع رشته	تعداد	میانگین	درجه آزادی	f	سطح معنی داری
استادان	علوم پایه	۱۰۰	۱۰۱	۱۹۸	۲/۳۴	۰/۱۸
	علوم انسانی	۱۰۰	۱۰۲			
دانشجویان	علوم پایه	۱۰۰	۷۷	۱۹۸	۱/۷	۰/۰۴
	علوم انسانی	۱۰۰	۷۸			

اطلاعات بدست آمده از جدول مؤید آن است که میزان آگاهی استادان از مهارت های حرفه ای از دید خودشان در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد متوسط می باشد و با توجه به

اطلاعات بدست آمده از جدول مؤید آن است که میزان آگاهی استادان از مهارت های حرفه ای از دید خودشان در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد متوسط می باشد و با توجه به

جدول ۲. مقایسه میانگین میزان آگاهی استادان از روش های تدریس

گروه	نوع رشته	تعداد	میانگین	درجه آزادی	f	سطح معنی داری
استادان	علوم پایه	۱۰۰	۲۹	۱۹۸	۲/۳۰	۰/۶۴
	علوم انسانی	۱۰۰	۲۹			
دانشجویان	علوم پایه	۱۰۰	۲۴	۱۹۸	۰/۴۶	۰/۰۲
	علوم انسانی	۱۰۰	۲۶			

خودسنجی ۰/۶۴، که بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد میزان آگاهی در هر دو گروه در آزمون خودسنجی یکسان است. اما با توجه به سطح معنی داری آزمون از نظر دانشجویان (Sig = ۰/۰۲ < ۰/۰۵) نتیجه گرفته می شود که میزان آگاهی استادان در اجرای روش های تدریس در رشته های علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است.

سؤال سوم: آیا میزان آگاهی استادان در استفاده از تکنولوژی آموزشی در رشته های علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است؟

اما با توجه به سطح معنی داری از نظر دانشجویان (Sig = ۰/۰۴ < ۰/۰۵) نتیجه گرفته می شود که میزان آگاهی استادان از مهارت های حرفه ای در رشته های علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است.

سؤال دوم: آیا میزان آگاهی استادان از روش های تدریس در درس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است؟ اطلاعات بدست آمده از جدول نشان دهنده آن است که میزان آگاهی استادان از روش های تدریس از دید خودشان در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد متوسط می باشد و با توجه به سطح معناداری در آزمون

جدول ۳. مقایسه میانگین استفاده از تکنولوژی آموزشی

گروه	نوع رشته	تعداد	میانگین	درجه آزادی	f	سطح معنی داری
استادان	علوم پایه	۱۰۰	۱۸	۱۹۸	۱/۹۸	۰/۶۴
	علوم انسانی	۱۰۰	۱۸			
دانشجویان	علوم پایه	۱۰۰	۱۰	۱۹۸	۰/۰۵	۰/۰۳
	علوم انسانی	۱۰۰	۹			

دانشجویان (Sig = ۰/۰۳ < ۰/۰۵) نتیجه گرفته می شود که میزان آگاهی استادان در استفاده از تکنولوژی آموزشی در رشته های علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است. **سؤال چهارم:** آیا میزان آگاهی استادان در اجرای طراحی آموزشی در درس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است؟

اطلاعات بدست آمده از جدول مؤید آن است که میزان آگاهی استادان از تکنولوژی آموزشی از دید خودشان در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد کم و خیلی کم می باشد و با توجه به سطح معناداری (در آزمون خودسنجی برابر است با ۰/۶۴) که بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین میزان آگاهی در هر دو گروه یکسان می باشد. اما با توجه به سطح معنی داری آزمون از نظر

جدول ۴. مقایسه میانگین اجرای طراحی آموزشی

گروه	نوع رشته	تعداد	میانگین	درجه آزادی	f	سطح معنی داری
استادان	علوم پایه	۱۰۰	۲۸	۱۹۸	۲/۰۵	۰/۲۹
	علوم انسانی	۱۰۰	۲۸			
دانشجویان	علوم پایه	۱۰۰	۲۱	۱۹۸	۱/۰۶	۰/۰۴
	علوم انسانی	۱۰۰	۱۸			

معناداری در آزمون خودسنجی برابر است با ۰/۲۹، که بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد؛ بنابراین میزان آگاهی در هر دو گروه در آزمون خودسنجی یکسان می باشد. اما با توجه به سطح معنی داری آزمون از نظر دانشجویان

اطلاعات بدست آمده از جدول مؤید آن است که میزان آگاهی استادان در اجرای طراحی آموزشی از دید خودشان در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد متوسط و کم می باشد و با توجه به سطح

سؤال پنجم: آیا میزان آگاهی استادان در اجرای ارزشیابی در دروس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است؟

($Sig = 0/04 < 0/05$) نتیجه گرفته می شود که بین میزان آگاهی استادان در اجرای طراحی آموزشی در رشته های علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است.

جدول ۵. مقایسه میانگین اجرای ارزشیابی در دروس علوم پایه و علوم انسانی

گروه	نوع رشته	تعداد	میانگین	درجه آزادی	f	سطح معنی داری
استادان	علوم پایه	۱۰۰	۲۴	۱۹۸	۲/۲۷	۰/۱۸
	علوم انسانی	۱۰۰	۲۶			
دانشجویان	علوم پایه	۱۰۰	۲۰	۱۹۸	۱/۳۳	۰/۰۲
	علوم انسانی	۱۰۰	۱۹			

استادان از مهارت های حرفه ای لازم برخوردار نیستند و مهارت های حرفه ای آنان در سطح پایینی قرار دارد. داده های پژوهش نشان دهنده آن است که میزان آگاهی استادان از روش های تدریس از نظر خودسنجی در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از نظر دانشجویان در حد متوسط می باشد و همچنین نتایج پژوهش ($0/05 < 0/02$) نشان داد که میزان آگاهی استادان از روش های تدریس در دروس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است. همچنین تحقیق ادیب نیا (۱۳۸۳) نیز نشان داد که استادان بر اجرای روش های تدریس فعال تسلط ندارند و نمی توانند در کلاس به واسطه تعامل و ارتباط عاطفی، اجرای روش تدریس فعالی داشته باشند چون آگاهی آنها در زمینه شیوه های جدید آموزش کم می باشد که نتیجه حاضر همسان است.

اطلاعات بدست آمده از جدول بیانگر آن است که میزان آگاهی استادان از ارزشیابی از دید خودشان در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد متوسط و کم می باشد؛ و با توجه به سطح معناداری در آزمون خودسنجی برابر است با ۰/۱۸، که بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد. بنابراین میزان آگاهی در دو گروه علوم پایه و علوم انسانی تفاوت وجود ندارد. اما با توجه به سطح معنی داری آزمون از نظر دانشجویان ($0/05 < 0/02 = Sig$) نتیجه می گیریم که بین میزان آگاهی استادان در اجرای ارزشیابی در رشته های علوم پایه و علوم انسانی تفاوت وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از تحقیق مؤید آن است که به طور کلی میزان آگاهی استادان از مهارت های حرفه ای از دید خودشان (خودسنجی) در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد متوسط می باشد. همچنین بررسی یافته های پژوهش ($0/05 < 0/04 = sig$) نشان داد که میزان آگاهی استادان از مهارت های حرفه ای در دو گروه علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است که این نتیجه با نتایج پژوهشهای حاجی زاد (۱۳۹۰) و دانش پژوه (۱۳۸۲) همسان است و براساس یافته های پژوهش های مذکور بسیاری از

نتایج به دست آمده از تحقیق مؤید آن است که به طور کلی میزان آگاهی استادان از مهارت های حرفه ای از دید خودشان (خودسنجی) در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد متوسط می باشد. همچنین بررسی یافته های پژوهش ($0/05 < 0/04 = sig$) نشان داد که میزان آگاهی استادان از مهارت های حرفه ای در دو گروه علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است که این نتیجه با نتایج پژوهشهای حاجی زاد (۱۳۹۰) و دانش پژوه (۱۳۸۲) همسان است و براساس یافته های پژوهش های مذکور بسیاری از

از عدم آشنایی استادان با به کارگیری نرم افزارهای مبتنی بر فناوری اطلاعات می باشد همسان است.

یافته های به دست آمده از تحقیق حاضر بیانگر آن است که میزان آگاهی استادان از طراحی آموزشی از دید خودشان (خودسنجی) در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد زیاد و متوسط می باشد که با توجه به سطح معنی داری ($sig=0/04<0/05$) میزان آگاهی استادان در اجرای طراحی آموزشی در دروس علوم پایه و علوم انسانی یکسان است. نتایج تحقیقات تاجیک (۱۳۸۳) و آبیار (۱۳۸۴) بیانگر این است که بیشتر استادان از اصول یادگیری و طراحی آموزشی اطلاع کافی ندارند.

یافته های پژوهش نشان می دهد که میزان آگاهی استادان از ارزشیابی از نظر خودشان در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از نظر دانشجویان در حد متوسط و کم می باشد و همچنین یافته های پژوهش ($sig=0/02<0/05$) نشان داد که میزان آگاهی استادان در اجرای ارزشیابی در دروس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است که نتیجه این تحقیق با نتایج پژوهش دایی زاده (۱۳۸۵) هماهنگی و تطابق دارد. از آنجایی که در حال حاضر ارزشیابی مناسبی از میزان آگاهی استادان در زمینه مهارت های حرفه ای آنان به عمل نمی آید و استادان با اطلاعات زمان تحصیل خود و تجربیاتی که دارند به حرفه مدرسی مشغول فعالیت می باشند این موضوع خود باعث بی توجهی آنان به مطالعه و افزایش دانش و آگاهی های مورد نیاز شده است؛ لذا پیشنهاد می گردد که معاونت آموزشی جهت ارتقای دانش استادان برنامه مناسبی را در طول سال تحصیلی و ایام تابستان برای استادان در زمینه مذکور برنامه ریزی و اجرا نماید؛ و کارگاه های آموزشی از طریق آموزش ضمن خدمت و بر اساس نیازسنجی علمی جهت آگاه کردن استادان با روش های جدید آموزشی و متناسب کردن

برنامه ها با نیازها و شرایط و امکانات صورت گیرد؛ همچنین مدارس باید به وسایل آزمایشگاهی (نرم افزارها- سخت افزارهای آموزشی و فیلم های کمک آموزشی) تجهیز شوند و استادان به ویژه در دروس علوم پایه با کاربرد ابزار و فناوریهای جدید آشنا شوند تا ضمن دوری از روش های سنتی تدریس موجبات برابری شرایط آموزشی را در مناطق مختلف سبب شود؛ و با توجه به نتایج تحقیقات انجام شده روزآمد و به منظور متناسب نمودن برنامه ها با نیازها و شرایط و امکانات، طراحی و اجرا شود و در برنامه ریزی های آموزشی و ضمن خدمت به نیازهای ملی و پیشرفت های علمی توجه شود و به کارگیری روش های آموزش از راه دور از طریق نشریات، کتابها و فیلم های آموزشی روزآمد شده، اینترنت و فنون *IT* با آخرین دستاوردهای علمی در اختیار دانشگاه ها قرار گیرد و در نهایت اینکه تحقیق در عمل به عنوان روش موفقیت آمیز برای آمیختن عمل تدریس با تفکر و به منزله رویکردی جدید در تحقیقات آموزشی و برنامه های درسی تربیت معلم و آموزش ضمن خدمت استادان به خاطر ویژگی های آن به طور روزافزونی جهت ارتقای کیفیت علمی تربیتی و افزایش کارایی استادان به کار گرفته شود.

منابع

- ادیب نیا، اسدالله. (۱۳۸۳). بررسی موانع اجرای روش های تدریس فعال در مدارس ابتدایی شهر تهران. *موسسه پژوهش برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی*. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
- آبیار، شهناز. (۱۳۸۴). *مطالعه عوامل موثر بر کارایی استادان در تدریس از دیدگاه مدیران و دبیران مدارس ایلام*. پایان نامه کارشناسی ارشد پیام نور. تهران.

- پرداختچی، محمد. (۱۳۷۴). مدیریت آموزشی به عنوان قلمروی حرفه‌ای. *فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش*. سال چهارم. شماره ۱. صص ۴۶-۵۶.
- تاجیک، عزیزالله. (۱۳۸۳). *عملکرد استادان پایه پنجم ابتدایی با توجه به میزان آگاهی آنان از اهدای روش تدریس مهارت های تدریس- کاربرد مواد آموزشی- روش ارزشیابی و کیفیت سئوالهای امتحانی در درس تعلیمات اجتماعی*. پایان‌نامه دکتری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، تربیت معلم.
- حاجی‌زاد، محمد. (۱۳۹۰). *بررسی و مقایسه مهارت های حرفه ای معلمان دروس علوم پایه و علوم انسانی دوره راهنمایی شهرستان بهشهر به منظور ارایه روش های ارتقای کیفی این مهارت ها*. پایان نامه دکتری علوم تربیتی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.
- دایی‌زاده، حسین جان. (۱۳۸۵). *بررسی میزان آشنایی استادان دوره متوسطه با مبانی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری*. پایان‌نامه دوره دکتری برنامه‌ریزی درسی. دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.
- دانش پژوه، زهرا. (۱۳۸۲). *ارزشیابی مهارت های حرفه‌ای استادان علوم و ریاضی در دوره راهنمایی و ارایه روش های ارتقای کیفی آن*. موسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی. سال دوم، شماره ۶، ص ۶۹.
- رؤوف، علی. (۱۳۸۰). *بررسی جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم*. انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- رؤوف، علی. (۱۳۸۰). *یاد دادن برای یادگرفتن*. انتشارات مدرسه. تهران. چاپ دوم.
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۴). *بررسی نتایج مطالعه بین المللی پیشرفت سواد خواندن (Pirls)*. *فصلنامه تعلیم و تربیت*. سال بیست و یکم، شماره ۱، ص ۳۹-۸۱.
- مرزوقی، رحمت‌الله. (۱۳۸۵). *کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش ضمن خدمت استادان ابتدایی: رویکردی نو به آموزش حرفه‌ای استادان*. *مجموعه مقالات همایش نوآوری در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی*. دانشگاه شیراز اسفند. ص ۳۷.
- معتمدی، محمدتقی. (۱۳۸۷). *الگوهای نوین تدریس*. انتشارات رشد اندیشه. چاپ اول.
- Cardinals, k. (2007). *The master typical characteristic: the journal of psycho educational*.
- Markers, A. (2006). *Identifying master characteristic: the journal of psychology*, 78, 22 .4
- Richardson, K. (2008). *The standpoint collegian aground master characteristic*. *The Journal of curriculum*, 26, 39 - 40.
- Saka, A. Arzu.saka. (2009). *Student teachers, Views about effects of school practice on development of their professional skills. Procedia School and Behavioral sciences*.

Quarterly Journal of Educational Psychology
Islamic Azad University Tonekabon Branch
Vol. 2, No. 2, summer 2011, No 6

The Comparison of the professional skills of professors of Human sciences, Basic Science, Islamic Azad University in Mazandaran Province

Hajizad. Mohammad^{*1}, Salehi. Mohammad²

1) Assistant professor. Islamic Azad University, Neka Branch, Neka, Iran

2) Associate professor. Islamic Azad University, Sari Branch, Sari. Iran

**Corresponding author: hajizad@iauneka.ac.ir*

Abstract

The purpose of this Survey and Comparison of the professional skills of professors of human sciences Basic Science, Islamic Azad University, Mazandaran Province is Methods research field is a community of Statistical all teachers employed to teach Courses humanities sciences based on academic year 89-90 to number of the 53,000 people in 1530 professors 100Student's samples are selected by simple random sampling method. In this study the questionnaire instrument (survey their teachers) students (containing 25 questions with Likert scale) were used. Data are described and analyzed in 2 levels, descriptive (by using frequency distribution, percent, and average) and inferential (by using T). the results of the overall research indicates that awareness masters of professional skills in the sciences Human Science Foundation in its survey is the same test, but given the significant level of students (Sig = 0/04 <0/05) can be concluded that awareness Azmharthay professional masters courses in basic sciences and the humanities differ is.

Keywords: *Faculty professional skills, Humanities, basic science, Azad University.*

Archive of SID